

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۴
صفحات: ۲۰۳-۱۸۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۲۱

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل

دکتر علی قاسمیان*

چکیده

بدون شک انقلاب اسلامی ایران منشاء بیداری مسلمانان در خاورمیانه و جهان اسلام بوده است. اگرچه این بیداری اسلامی باعث شد تا بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی، استقلال سیاسی خود را باز یابند، اما امپریالیسم با استفاده از حاکمان وابسته در این کشورها سلطه خود را ادامه می‌دهند. وحدت و یکپارچگی ملت ایران در پیروی از اسلام و ولایت، علاوه بر اینکه نقاط قوت و قابل اتکاء نظام اسلامی می‌باشد، همواره عامل ناکامی توطئه استکبار جهانی نیز بوده است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در دهه‌های پایانی قرن بیستم توانست در برابر اندیشه‌ها و نظرات مارکسیسم و لیبرالیسم حاکم شرق و غرب بایستد و همچنین معادلات موجود در نظام بین‌الملل را دگرگون سازد. نفی وضعیت موجود جهانی با تکیه بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، همواره موجب نگرانی قدرت‌های بزرگ و متحدان منطقه‌ای آن‌ها را فراهم نموده است. از طرف دیگر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، کارشکنی در جهت رشد بنیادهای اقتصادی و علمی، مانع‌تراشی در راه توسعه و پیشرفت از دیگر برنامه‌های نظام سلطه بر علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران با گسترش به دیگر نقاط جهان به ویژه خاورمیانه تهدیدی برای حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه و همچنین قدرت‌های بزرگ جهانی است. نوشتار حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی این مهم را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها

نظام بین‌الملل، انقلاب اسلامی، تروریسم، حاکمیت، خاورمیانه.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، گروه علوم سیاسی، خرم‌آباد، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای شگرف و بی‌نظیر در عصر حاضر از زمان پیروزی همواره مورد توجه محققین، اندیشمندان و سیاستمداران بوده و تاکنون نظرات مختلفی درمورد انقلاب گفته شده و از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با پیروزی انقلاب اسلامی و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و تأثیر آن بر جوامع اسلامی که به بیداری و خیزش اسلامی و ضداستکبار جهانی منجر گردید. این تأثیرات که در قالب الگوسازی انقلاب اسلامی ظهور کرد، فرصت‌های جدیدی پیش روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارز برای آزادی‌خواهی و استقلال قرار داده است. نشانه‌های این اثرگذاری، از همان روزهای اول پیروزی انقلاب آشکار شد و با گذشت بالغ بر سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، عمق و پویایی بیشتری یافت. این تأثیرات را نه تنها در خاورمیانه بلکه در سطح جهان می‌توان مشاهده کرد.

حضور مردم مؤمن و انقلابی در صحنه‌های مختلف دفاع از اسلام و انقلاب، یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی است. این وحدت و یکپارچگی همه اقشار ملت در پیروی از اسلام و ولایت، علاوه بر اینکه یکی از نقاط قوت و قابل اتکاء نظام اسلامی می‌باشد، همواره عامل ناکامی توطئه‌های نظام سلطه نیز بوده است. بنابراین دشمنان انقلاب اسلامی در تجزیه و تحلیل خود علل ناکامی اقدامات خود و موانع تحقق اهدافشان به سه مورد رسیدند: (۱) حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های اسلامی؛ (۲) نظام سیاسی مبتنی بر دین (نظام ولایت) و (۳) پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی. انقلاب اسلامی ایران بلوک‌بندی‌ها و نظام دوقطبی تثبیت شده در نظام بین‌المللی کنونی جهان را در هم ریخت و با وجود تضاد عمیقی که بر روابط دو ابرقدرت حاکم بود و آن دو را اشتهی ناپذیر می‌نمود، وادار به سازش و اتخاذ موضع واحد در برابر این پدیده سیاسی جدید نمود و تحولات عمده‌ای را در مسائل مختلف جهان به دنبال آورد.

با توجه به آنچه گفته شد سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و حتی در سطح وسیع‌تر در ارتباط با مستضعفان کل جهان، در بُعد افکار و ایدئولوژی مؤثر بوده است؟ آیا در تحولات سیاسی نظام بین‌الملل تاثیرگذار گذاشته است و همچنین عکس‌العمل نظام سلطه در مقابل انقلاب اسلامی ایران چگونه بوده است؟ فرضیه که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی و یک موجودیت دینی ضمن ایجاد حس اعتماد به نفس، بر بیداری مسلمانان در خاورمیانه و جهان تاثیر داشته است و همچنین با تاکید بر ژئوپلیتیک شیعه به

صورت بالقوه و بالفعل منافع غرب و آمریکا را در منطقه استراتژیک خاورمیانه تهدید می‌کند و هم اینکه بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل موثر واقع گردیده است.

۱. مفاهیم و چارچوب نظری انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی را باید به مفهومی گسترده‌تر و برتر از آنچه که در تعریف انقلاب گفته می‌شود مورد مطالعه قرار داد؛ زیرا در عین اینکه بسیاری از این تعاریف منطبق بر انقلاب اسلامی است ولی در این رابطه جامع و مانع نیستند. معمولاً در فرهنگ‌های سیاسی و علوم سیاسی، انقلاب را چنین تعریف می‌کنند: «سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی» و یا سرنگونی حکومت طبقه یا طبقات روبه زوال و واپسین‌گرا و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی جدید و پیشرو و حکومت طبقه و یا طبقات پیشرو و بالنده. برخی انقلاب را به تحول ناگهانی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی توأم با استعمال زور و خشونت و شورش مردم تفسیر می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۱).

فردریش انگلس انقلاب را مبارزه سیاسی برای قبضه قدرت میان دو بخش از جمعیت یک کشور می‌داند: «انقلاب یقیناً سلطه‌جویانه‌ترین چیزی است که وجود دارد، عملی است که به موجب آن بخشی از جمعیت اراده خود را از طریق توپ و تفنگ و سرنیزه یعنی وسایل سلطه‌جویانه بر بخش دیگر تحمیل می‌کند». ساموئل هانتینگتون نیز می‌گوید: «انقلاب عبارتست از تحولی سریع، اساسی و خشونت‌بار در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم جامعه و در نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست‌های حکومتی». حسین بشیریه می‌گوید: «انقلاب تحول سیاسی پیچیده‌ای است که در طی آن حکومت مستقر به دلایلی توانایی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و گروه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی به مبارزه برمی‌خیزند تا قدرت را قبضه کنند. پلیب می‌گوید: «انقلاب به معنای بازگشت امور به وضع متعادل و درست گذشته تعبیر کرده» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۳-۲). گیدو دورسو نویسنده ایتالیایی از انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی به عنوان دو نوع انقلاب سخن می‌گوید: به نظر او انقلاب سیاسی موجب ورود گروه‌های جدید در درون طبقه حاکمه می‌گردد، در حالی که انقلاب اجتماعی کل طبقه حاکمه را تغییر می‌دهد (همان، ۴).

مارکس می‌گوید: جامعه دارای زیربنا و روبناست، زیربنا شیوه تولید و ساخت اقتصادی است و روبنا مسایل حقوقی، اخلاقی، دینی، سیاسی و غیره هر گاه زیربنا با روبنا ناسازگار باشد،

جامعه به بحران و انقلاب کشیده می‌شود. در تحلیل مارکس، انقلاب مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. این قوانین جبری حاکم بر جهان و جامعه است که انقلاب را در شرایط خاص به وجود می‌آورد. از دیدگاه مارکس، نقش انسان در انقلاب، سازنده و تعیین‌کننده نیست، زیرا وقتی تضاد در روابط پرولتاریا و بورژوا به حدی رسید که نظام سرمایه‌داری علی‌رغم اینکه خود عامل پیشرفت و توسعه تکنولوژی و ابزار مدرن تولید بوده به مانعی بر سر راه آن تبدیل گردید قیام پرولتاریا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و تا جامعه به این مرحله نرسیده، انقلاب امکان‌پذیر نیست. تنها نقشی که مارکسیت‌ها برای اراده انسان در ایجاد یک انقلاب قائلند این است که روشنفکران می‌توانند با تشدید تضادهای موجود بین طبقات جامعه، اثر دینامیزم داخلی تضادهای موجود جامعه را تسریع ببخشند، تا انقلاب زودتر از موعد طبیعی انجام پذیرد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۶).

اما دیدگاه اسلام در مورد انقلاب با تفسیر و تحلیل غربی‌ها و مارکسیستی کاملاً متفاوت بوده و عامل عمده انقلاب در تحلیل اسلامی با آرمان‌خواهی و عقیده به مکتبی است که نخست گروه پیشرو و مجاهدان را وارد میدان مبارزه انقلابی می‌کند و سپس با بسیج توده‌های گسترده مردمی انقلاب را به درون جامعه می‌کشد و انقلاب را به صورت مردمی به پیروزی می‌رساند. انقلاب از دیدگاه اسلام نوعی جهاد داخلی است که در آن گروهی برای خدا و فی‌سبیل‌الله می‌رزمند و گروه دیگر مانع راه خدایند و به خاطر کفرشان می‌جنگند. قرآن در یکی از آیات مربوط به جنگ بدر می‌فرماید: «قد کان لکن آیه فی فئتين التقتا فئه تقاتل فی سبیل‌الله و فئه اخری کافرة»، «در برخوردی که بین دو گروه رخ داد، شما نشانه و معیاری روشن می‌یابید، یک گروه از اینان در راه خدا و برای ایمانش می‌جنگد و گروه دیگر به خاطر کفرش» (همان، ۱۹).

بی‌شک انقلاب اسلامی ایران یک تحول اجتماعی - سیاسی ریشه‌دار و اساسی بوده که همراه جایگزین شدن نظام سیاسی نوین و توأم با انتقال قدرت به طور ناگهانی در جامعه ما رخ داده است در یک کلام همه عناصر موجود در انقلاب‌های بزرگ دنیا، در انقلاب اسلامی ما به گونه‌ای وجود داشته است. ولی با وجود این هیچکدام از تعریف‌های ذکر شده برای معرفی ماهیت انقلاب اسلامی ما کافی نیست در تعریف این پدیده باید ویژگی‌های دیگر آن را که وجه تمایز با انقلاب‌های دیگر محسوب می‌شود، گنجانید، تا بتوان تصویر صحیحی از انقلاب اسلامی را ترسیم نمود. در انقلاب اسلامی شاخص‌های ویژه‌ای وجود دارد که می‌توان با این تعریف انقلاب اسلامی ایران را از دیگر انقلاب‌های جهان تفکیک نمود. انقلاب اسلامی عبارت از دگرگونی

بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان‌بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و براساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم.

معنویتی که در اسلام مطرح است و یکی از ابعاد برجسته انقلاب اسلامی است و چون روح بر این کالبد دمیده شده عبارت از اوج آزادی انسان است که در عبودیت او در برابر خدا و اطاعت اوامر الهی متجلی می‌شود، یعنی موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک «سو» و به طرف یک مرکز تکامل می‌یابند این است که می‌گوییم انقلاب اسلامی منطبق بر جهان‌بینی توحیدی است از مقوله معنویتی که اومانیسیم در زمینه انسان‌گرایی و آزادی انسان از قید مالکیت می‌داند، نیست. این نوع معنویت، گونه‌ای از مادی‌گرایی است. ما براساس جهان‌بینی توحیدی معتقدیم که آفرینش هیچ وجودی عبث و بیهوده و بدون هدف نیست، جهان با یک سلسله نظامات قطعی که «سنن الهیه» نامیده می‌شود اداره می‌شود. انسان در میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد، مسؤول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است، جهان مدرسه انسان است و خداوند به هر انسانی به طبق نیت و کوشش صحیح و درستش پاداش می‌دهد. ایثار و شهادت یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که همانطوری که اشاره شد ریشه در مکتب جهان‌بینی اسلام دارد و همین ایثار و شهادت‌ها بود که همواره انگیزه جهاد بوده و شهدا با آرمان‌های اسلامی‌شان مشخص‌کننده راه و خصلت انقلاب اسلامی و عامل پیروزی انقلاب بوده‌اند (مطهری، ۷۱).

۲. نقش دین در تحولات جهانی

وقوع انقلاب اسلامی ایران در یکی از مناطق حساس ژئوپلیتیک جهان، سردمداران غرب را با پدیده‌ای نوین در صحنه سیاست‌های جهانی مواجه ساخت، پدیده‌ای که بنا به ماهیت و سرشت خود که همانا جوهره‌ی اصیل و والای اسلام است، در هیچ یک از قالب‌ها و معیارهای متعارف سیاسی جهان نمی‌گنجد و از همین رو، آگاهی و شناخت عمیق و گسترده‌ای را در زمینه ژئوپلیتیک طلب می‌نماید. با موفقیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی «مذهب و دین» به عنوان عامل جدید قدرت در نظام بین‌الملل مطرح شد.

رابین‌رایت، خبرنگار مشهور آمریکایی در کتاب «شیعیان، مبارزان راه خدا» با نقل سخنی از امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه ما باید با ابرقدرت‌ها تسویه حساب کنیم و به آن‌ها نشان دهیم که با وجود تمام مسائل درآورد که با آن‌ها مواجه هستیم، می‌توانیم از نظر عقیدتی با تمام جهان مقابله کنیم درک عمیق خود را از نقش عامل جدید قدرت که جنبش‌های اسلامی و از جمله انقلاب اسلامی از آن بهره‌گرفتند نشان می‌دهد (رابین، ۱۳۷۲: ۷). این نکته مهمی است که نهضت‌های معاصر به کمک عاملی وارد نظام جهانی شدند که سال‌های متوالی با آن خداحافظی شده بود. این عامل مهم دین بود. از یکسو ملت‌ها پس از گذر از دوران سراسر مادیت مدرنیته، نیاز شدیدی به آن عامل احساس می‌کردند و از سوی دیگر نظم موجود در جهان به شدت از رویارویی با آن هراس داشت. دین تا بدان جا جاذبه دارد که می‌تواند نقش بسیاری از پدیده‌ها و سازمان‌های سیاسی را به تنهایی ایفا کند. همچنین توان تجهیز و بسیجی که در دین وجود دارد در کمتر نهاد سیاسی و اجتماعی دیده شده است. این مساله‌ای است که فهم آن برای قدرت‌های بزرگ مشکل بوده است (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۱۵۵) البته باید گفت که با توجه به ظرفیت‌های خاص اسلام این دین در کارکرد سیاستش توانسته است نسبت به رقبای خود آثار بیشتری بر جای نهد و در این میان جنبش‌های اسلامی در صدر قرار دارد.

در این چارچوب، دلیل آنکه مهمترین مشخصه انقلاب اسلامی ایران ماهیت فکری و فرهنگی آن است، واکنش خصمانه نظام سلطه در مقابل آن نیز در همین زمینه قابل توجه است. غرب طی چند تجربه تلخ در مصاف با یکپارچگی اسلام در جریان جنگ‌های صلیبی و درگیری با امپراطوری‌های اسلامی و مانند آن، خاطرات ترسناک و تکان‌دهنده‌ای را در حافظه تاریخ خود بیاد دارد؛ ولی این بار خطر عظیم‌تر و گسترده‌تر و دهشت‌ناک‌تر از آن بود که در گذشته دیده بود. انقلاب اسلامی ایران این بار با داشتن رهبری مثل امام خمینی (ره) و ایدئولوژی فراملی، ادعای قیادت جوامع بشری از سوی غرب را به چالش کشیده است (همان، ۱۵۶).

۳. صدور انقلاب اسلامی

۳-۱. ماهیت انواع انقلاب‌ها و صدور انقلاب

برخی از انقلاب‌ها به دلیل ماهیت ایدئولوژیک محدود خود، صرفاً یک حرکت در چارچوب مرزهای یک کشور بوده، دیدگاه فراملی ندارند. این موضوع در مورد انقلاب‌هایی که رنگ

ملی‌گرایی دارند به خوبی مشهود است. آن‌ها در مبارزه بر ضد استبداد و در قالب حفظ منافع ملی و قومی، دست به انقلاب زده، به هیچ وجه، حساسیتی بر ملت‌ها و کشورهای دیگر ندارد. اگرچه ممکن است به‌طور غیرمستقیم ملت‌های همجوار را نسبت به منافع ملی‌شان و نیز وضعیتی که دارند آگاه سازند و به آن‌ها جرات و جسارت مبارزه بدهند. اما دسته‌ی دیگر از انقلاب‌ها به لحاظ داشتن ایدئولوژی فراملی، نه تنها به مسائل داخلی توجه دارند، بلکه به بسط اندیشه انقلابی خود در فراسوی مرزهای ملی خود نیز می‌اندیشند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۴۲).

انقلاب‌هایی که داعیه جهانی دارند اصولاً طرح و برنامه‌ای برای تمام جهان ارائه می‌کنند که این خود منبعث از ایدئولوژی این نوع انقلاب‌هاست. به عبارتی دیگر، این انقلاب‌ها روحیه‌ی برون‌فکنی دارند و حتی این گونه بیان می‌شود که رهبران انقلاب شرط بقای انقلاب را ایجاد انقلاب در دیگر نقاط جهان می‌دانند تا به مثابه پیشخوانه‌هایی برای رژیم انقلاب محسوب شوند. ایدئولوژی این نوع انقلاب‌ها دارای چارچوبی جهان‌شمولی است و بر همین اساس، برای حصول اهداف خود همواره به کل جهان نظر داشته و حرکت تاریخ را براساس منطقه خاص خود تعبیر و تفسیر می‌کنند و بر این اساس، تصویری از کمال و سعادت بشر ارائه می‌دهند و آن را به‌عنوان الگویی کامل و جامع به تمام جهان معرفی می‌کنند.

پدیده «صدور انقلاب» نیز از بحث مذکور منبعث می‌شود، یعنی یک رژیم انقلابی زمانی در پی صدور انقلاب و اصول و ارزش‌های آن به جهان برمی‌آید که ادعای جهان‌شمولی داشته باشد. چنین نظامی دارای ایدئولوژی مبتنی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی است و این فلسفه بطور مطلق و عام پذیرفته شده و به مثابه نسخه‌ای تلقی می‌شود که قابلیت تجویز برای ظرفیت‌های مکانی و جغرافیایی دیگر دارد (امرای، ۱۳۸۳: ۵۰). از جمله دلایل ظهور پدیده‌ی صدور انقلاب در انقلاب‌های جهان‌شمول، این است که تحولات سیاسی در کشورها به نسبتی می‌تواند کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، شعارهای انقلابی یک ملت برخاسته و خواستار دگرگونی، تأثیر مستقیمی بر نحوه‌ی زندگی و نیز حکومت کشورهای همسایه می‌گذارد و به دنبال بروز چنین پدیده‌ای، عده‌ای به مخالفت با انقلاب در کشور مادر، برمی‌خیزند و در صدد برمی‌آیند تا با سرکوب آن و شعارهایش، مانع نفوذ افکار و اندیشه‌های آن در کشور متبوع خود شوند.

کشورهای انقلابی نیز برای حفظ دستاوردهای انقلاب خود، متقابلاً به اقدام می‌پردازند و به اتخاذ روش‌های گوناگون برای صدور انقلاب مبادرت می‌ورزند، روشهایی که منبعث از روح حاکم بر ایدئولوژی آنهاست (همان، ۵۱).

۲-۳. صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی

با توجه به مطالب مزبور، می‌توان گفت: انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست، به ویژه که این انقلاب با رویکرد ایدئولوژیک و سمت و سوی عقیدتی خود، به مثابه انقلابی اسلامی از توانمندی تأثیرگذاری بر گستره‌ی جغرافیایی وسیع اسلام برخوردار است. این انقلاب با تکیه بر بعد معنوی خود، تأثیر بسزایی در جهت‌گرایی نهضت‌های اسلامی بسوی تحقق اندیشه‌های اسلامی داشته است. این انقلاب نه تنها الگوی عینی جنبشی مردمی برای نهضت‌های شیعی مناطق بشمار می‌آید، بلکه حتی بطور عام‌تر، نمونه‌ای واقعی از انقلابی اسلامی را برای تمام مسلمانان جهان به نمایش گذاشته است.

انقلاب اسلامی ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است طبیعی بود که نتواند در محدوده‌ی جغرافیایی ایران توقف نماید و می‌بایست پیام آن و مواجش در درجه‌ی اول به ملل مسلمان کشورهای همسایه و سپس به همه‌ی ملل مستضعف جهان برسد (Islamic Propagation Organization, 1979). از این رو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسؤولان قرار گرفت و بدین‌سان، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب که منبعث از دین مبین اسلام است در برنامه‌ی کار انقلابیان قرار گرفت. ایدئولوگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی، همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی و نفی اشراف‌گری و تبعیض‌ها و نژادهایی تعریف نمود (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

۳-۳. ستیز با استکبار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. امام خمینی (ره) در پیام افتتاحیه اولین دوره مجلس شورای اسلامی فرمودند: سیاست نه شرقی، نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و در روابط خارجی حفظ کنید (صحینه نور، جلد ۱۲: ۱۲۲).

مواضع و تلاش امام خمینی (ره) که با استقلال ایران از سلطه آمریکا همراه شد، به پیدایش جرات و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها، شکستن بت‌های ظالمانه، بالندگی نهال قدرت واقعی انسان‌ها و سر بر آوردن ارزش‌های معنوی و الهی انجامید. به اعتقاد مقام معظم رهبری، استقلال‌خواهی انقلاب اسلامی چنان تأثیری را بر جای گذاشته که برخی را وادار به اعتراف کرده است. برای مثال، یکی از رهبران کشورهای واقع در شرق آسیا، در جریان اجلاس سران کشورهای اسلامی در خطاب به مقام معظم رهبری، دلیل فقر کشورش را وابستگی سرمایه‌های کشور به سرمایه‌دارهای صهیونیستی و آمریکا دانست. از این رو مقام معظم رهبری چنین نتیجه می‌گیرند که وقتی استکبار منافعش ایجاب کند نه به ملتی، نه به اقتصادی، نه به فرهنگی، نه به مردمی و نه به کسی رحم نمی‌کند (شیرودی، ۱۳۸۸: ۹۷).

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری ایالات متحده آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی یکی از حافظان اصلی منافع خود را در منطقه از دست داد. دکترین دوستونی نیکسون فرو پاشید و توازن نظام امنیتی منطقه خلیج فارس از میان رفت. ایران که تا قبل از انقلاب به عنوان سپر دفاعی و یک حامی منافع آمریکا در منطقه محسوب می‌شد. از این به بعد به عنوان خطر اساسی برای آمریکا مطرح شد و این امر می‌توانست براساس تئوری دومین خطر بالقوه را برای دولت‌های طرفدار آمریکا ایجاد کند.

۴-۳. بیداری اسلامی در جهان با ندای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران نقطه‌ی آغاز خیزش تفکر اسلامی است. در حالی که قرن بیستم با عقب‌نشینی اسلام در پی ضعف و ناتوانی امپراتوری عثمانی آغاز شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پایانی این قرن آغاز دوره‌ی جدیدی از ظهور مجدد اسلام را نوید داد. انقلاب اسلامی ایران براساس مبانی عقیدتی که در درون خود پنهان کرد بود. از یکسو واکنشی خشمگینانه نسبت به وضع موجود نشان داد و به نوعی نارضایتی از نظم موجود و جایگاه اسلام معاصر را به منصفه ظهور گذاشت و از سوی دیگر با طرح عقاید روشنگرانه، نارضایتی خود را نسبت به استراتژی در پیش گرفته شده‌ی دیگر جنبش‌های اسلامی برای رسیدن به مطلوب اسلام ابراز نمود و ندای رهایی از جریان حرکت تاریخ براساس مفروضات از پیش تعیین شده نوگرایی را سر داد که بر این اساس هم خواهان افزایش توان مبارزاتی و تغییر الگوی عمل بود و هم جایگزین مناسبی برای رهایی از وضع موجود و گشایش وضع مطلوب داشت. روش حرکت اسلامی در ایران استفاده از نیروهای بالقوه و تبدیل این نیروها به حالت بالفعل و بسیج

اندیشه‌هایی ذخیره شده در درون ملت‌های اسلامی با مدیریت همه‌جانبه و با توان حرکتی در حد اعلا و سرعتی به مراتب تندتر از سایر جنبش‌های اسلامی بود. بدین روی این حرکت اسلامی به عنوان الگویی برای تلاش‌های ایدئولوژیک در میان سایر ملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفت و موجب شد تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه‌ی عمل و چگونگی تعیین اهداف آن‌ها صورت بگیرد. حرکت اسلامی در ایران، زمینه‌ی این ذهنیت را فراهم آورد که هنوز توان تصور آرمانی فراتر از آنچه در گذشته سایر حرکت‌ها در پیش گرفته بودند و امکان دگرگونی و بازگشت به آنچه «دوران طلایی اسلام» گفته می‌شود وجود دارد و شاید اعتقاد به همین توانمندی بود که روحیه‌ی دیگر جنبش‌های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی را فزونی بخشید (امرابی، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۷). از این رو، می‌توان گفت: مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام و حتی در سطح وسیع‌تر و در ارتباط با مستضعفان کل جهان، در بُعد افکار و ایدئولوژی است.

ایدئولوژی امام خمینی (ره) با مطرح کردن نتایج انحطاط اخلاقی، بی‌عدالتی اجتماعی-اقتصادی و از همه مهم‌تر، مساله افتخار، شأن و احترام، مسلمانان در مقابل دست‌درازی‌های سیاسی-فرهنگی، ابرقدرت‌ها، مسلمانان را در یک سطح شخصی بسیار عمیق مورد خطاب قرار می‌دهد، او به مسلمانان می‌گوید که می‌توان بحران‌های شخصی وجودی خود را از طریق اعمال نظامی-سیاسی و حمله به رژیم‌های نامشروع و حامیان ابرقدرت آن‌ها مرتفع سازند. همین پیوند پویا میان جراحات شخصی و روحی و برنامه‌های سیاسی یا توسل به خشونت است که ایدئولوژی (امام خمینی را به یک نیروی قوی مبدل می‌سازد) امام خمینی (ره) با در هم آمیختن قلمرو سیاسی و معنوی مسلمانان این امکان را می‌دهد که دنیای در حال دگرگونی خود را با معنا سازند و در عین هدف سیاسی صدور انقلاب اسلامی را گسترده‌تر سازند (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۸۴).

بدین‌سان، اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجی فراگیر سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و نه فقط مسلمانان، بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد؛ چراکه مخاطب امام مستضعفان سراسر کره‌ی زمین بودند. باید این نهضت در تمام عالم، نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عالم گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه‌ی اول و الگو برای همه‌ی ملت‌های مستضعف است. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند بلکه مستضعفین به پا خیزند وعده‌ی الهی مستضعفین را شامل است و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آن‌ها

امام ما بشوند، در دنیا وارث باشند. امامت حق مستضعفین است، مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند (همان، ۶۸).

تا جایی که بعد از پیروزی انقلاب امام (ره) فرمودند: «آمریکا شیطان بزرگ است». در نتیجه آمریکا هم به دلیل قطع منافعش بعد از انقلاب دشمنی را با جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد (غضنفری، ۱۳۸۱: ۶۵). آمریکا معتقد است ایران هماهنگ با سیاست‌های نظام بین‌الملل نیست و لذا افزایش قدرت ایران می‌تواند تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی باشد و همچنین یک ایران هسته‌ای ماشه رقابت‌های هسته‌ای در سطح منطقه را می‌کشد و بدین طریق کل منطقه وارد یک رقابت تسلیحاتی می‌شود که به نفع نظام امنیت منطقه‌ای نیست ایران هسته‌ای تهدیدی برای اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا به حساب می‌آید و تعادل قدرت را در سطح منطقه برهم می‌ریزد (Pollack & Raytakeyh 2005: 24-25).

۴. سه رکن اصلی و مهم انقلاب

۴-۱. نقش اساسی رهبری در تداوم انقلاب اسلامی

مفهوم رهبری در انقلاب اسلامی ایران، نقش بسیار مؤثری داشته که مبنای آن اصل امامت، مستتر در اصول مذهب تشیع است. برابر نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عقاید نظریه‌پردازان این نظام، راز تداوم این انقلاب و نفوذ آن به همه سرزمین‌هایی که محتاج و نیازمند به این انقلابند، همین مفهوم رهبری و امامت است. از جمله تفاوت‌های اساسی انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌های جهان و از جمله تحولات انقلابی ناشی از بیداری اسلامی در مصر، نقش و جایگاه «رهبری» در انقلاب است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران در انقلاب اسلامی ایران رهبری در تمامی مراحل، نقش عمده‌ای در پیروزی و ثمر رسیدن انقلاب ایفا نمود. «ادوار شرلی یکی از مقام‌های سابق سیا در میزگرد اعلام می‌نماید: اگر نظام ولایت‌فقیه در ایران از هم بپاشد، آن وقت می‌توان پذیرفت که جمهوری اسلامی تغییری ماهیت داده است» (معاونت سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی نقش بی‌بدیل رهبری بوده و هست در بحران‌هایی که در مقاطع مختلف انقلاب پیش آمده نقش و هدایت‌های رهبری در خنثی‌سازی آن‌ها به وضوح آشکار می‌باشد، عاملی که خلاء آن در کشورهای جهان اسلام محرز می‌باشد. امروزه کشورهای جهان اسلام به پیروی و الگو گرفتن از انقلاب اسلامی به پا خواسته

و شعار اسلام‌خواهی و برپایی حکومت اسلامی را سر داده‌اند که منجر به سقوط نظام‌های دیکتاتوری یکی پس از دیگری می‌گردد. اما در این کشورها نبود رهبری کارزماتیک که بتواند آن‌ها را زیر یک پرچم جمع کند و محور اتحاد قرار گیرد کاملاً محسوس است. بنابراین نقش رهبری در هماهنگی قوای کشور و اتحاد مردم در مقابل توطئه‌های دشمنان اسلام بسیار حائز اهمیت است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۷۳-۲۷۲).

۲-۴. مشارکت سیاسی و حضور اجتماعی مردم

بدون تردید مهم‌ترین عاملی که پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد، حضور فراگیر و گسترده‌ی مردمی بود که با «آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی» حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید. آنچه موجب مشارکت و حضور جدی و مؤثر مردم در جریان اعتصاب‌های گسترده و تظاهرات سراسری در جریان انقلاب اسلامی می‌شد و پس از پیروزی حضور مردم در صحنه‌های مختلف جبهه و جهاد یا انتخابات و... حفظ می‌کرده است، احساس وظیفه و تکلیف الهی بوده که از متن دستورات و احکام دینی برمی‌آید.

از نظر اسلام، مشارکت سیاسی و حضور اجتماعی اعضای جامعه اسلامی، نه تنها به عنوان یک (حق شخصی) که قابل صرف‌نظر کردن باشد- بلکه به عنوان یک وظیفه دینی و «الهی» تلقی می‌شود که هرگز نمی‌توان از ایفای صحیح آن دست کشید. یاری خدا، یعنی حمایت و پشتیبانی از دین خدا و تلاش برای استقرار نظام الهی و کمک و مساعدت به آن در راه خدا، نه برای تامین منافع مادی یا مصالح شخصی و گروهی بلکه این تلاش است که نصرت الهی را به دنبال دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گم‌هایتان را استوار می‌سازد» (ذوعلم، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۴).

به نظر میشل فوکو روح انقلاب اسلامی در این حقیقت نهفته است که ایرانی‌ها از خلال انقلاب خود در صدد ایجاد تغییر و تحول در خویش بودند. مردم خواهان دگرگون ساختن نحوه زیست خود بودند و بیش از هر چیز برای این امر، خود را هدف قرار داده بودند. ایشان معتقد بود: شخصیت آیت‌اله خمینی به افسانه می‌زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی‌ای- حتی به پشتیبانی همه رسانه‌های کشورش نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوند چنین مشخص و نیرومند دارند (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶).

۳-۴. ایدئولوژی انقلاب

یکی از وظایف رهبری انقلاب، تدوین و ارائه ایدئولوژی انقلاب است که باید در بر گیرنده نفی نظام و ارزش‌های موجود بوده و آینده مطلوبی پیش روی انقلابیون ترسیم کند. اسلام به عنوان یک مذهب و مکتب الهی در اعماق قلب و روح اقشار وسیع جامعه نفوذ تاریخی داشت، اما بزرگ‌ترین مانع و مشکل در به کارگیری این ایدئولوژی به عنوان ایدئولوژی انقلاب، تبلیغ طولانی مدت استعمار غرب مبنی بر جدایی دین از سیاست بود و این ایده که خیلی‌ها تصور می‌کردند، جامعه کمالی مطلوب اسلامی مربوط به ۱۴ قرن قبل، ممکن است قابل پیاده شدن نباشد و آثار برخی از اصول مانند اصل تقیه و انتظار فرج در میان شیعیان و اصل اطاعت از ولی امر در میان اهل تسنن بود. امام خمینی (ره) با شناخت دقیق مشکلات مذکور، قدم به قدم در جهت از میان بردن موانع گام برداشته و اسلام را به‌عنوان مطلوب‌ترین ایدئولوژی در جامعه مطرح کرد (همان، ۸۴).

ایشان با طرح حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه تحولی اساسی در نگرش به اسلام به عنوان یک ایدئولوژی پویا و قابل پیاده شدن در عصر حاضر ایجاد کرد. تاکید امام این بود که احکام خدا تعطیل‌بردار نیست و در هیچ شرایطی حتی در عصر غیبت کبری نمی‌توان از اجرای این احکام سر باز زد و این مسؤولیت بر دوش فقها و علما و علی‌الخصوص فقها می‌باشد. امام در ارائه ایدئولوژی انقلاب، ارزش‌های مسلط بر نظام را به چالش طلبید و مفاد قانون اساسی مشروطه و متمم آن را که شاه را سایه خدا می‌دانست، ضد اسلامی خواند و حکومت جایگزین را معرفی کرد. راهبرد مبارزاتی امام شیوه مبارزه دسته جمعی مسالمت‌آمیز و بهره‌گیری از تبلیغ بود و حرکت مسلحانه را ضمن اینکه نفی نمی‌کرد به عنوان آغاز مبارزه توصیه و تجویز نمی‌کرد (همان، ۸۵).

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی و نظریه پرداز پسامدرنیسم معتقد است این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد، زیرا جهان شاهد قیام تمامی مردم بر علیه قدرتی بود که مشکلات اقتصادی آنقدر بزرگ نبود که در نتیجه آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها ریخته و قیام کنند. بنابراین ریشه این انقلاب را باید در جای دیگر جستجو نمود. هدف ایرانی‌ها ایجاد تحولی اساسی در وجود فردی و زندگی سیاسی و اجتماعی و نحوه تفکر و شیوه نگرش خویش بود. آن‌ها خواهان دگرگون ساختن نحوه زیست خود بودند و پیش از هر

چیز برای این امر، خود را هدف قرار داده بودند. آنان راه اصلاح را در اسلام یافتند، اسلامی که برای آنها هم داروی درد فردی، هم درمان بیماری‌ها و مشکلات اجتماعی بود (همان، ۸۷).

۵. انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر ساختار نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران نه تنها در سطح داخلی منجر به تغییرات عظیمی گردید، بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز تأثیرات شگرفی برای نظام بین‌الملل به همراه داشت. همانند هر انقلاب ایدئولوژیک دیگری، انقلاب اسلامی خواهان تغییر نظم سنتی و پایه‌ریزی نظامی جدید گردید.

جهت‌گیری‌های انقلابی در سیاست‌های داخلی، از جمله تغییر کامل سیستم‌های اقتصادی-سیاسی و فرهنگی داخلی و تلاش در جهت غرب زدایی و جهت‌گیری‌های جدید در حوزه سیاست خارجی از جمله نظریه صدور انقلاب، سیاست نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی که عمدتاً مبتنی بر تغییر وضع موجود و ارائه مدل جدیدی بود نوع و ماهیت روابط ایران و آمریکا را تغییر داد. در نتیجه، ایران به عنوان مهمترین متحد غرب و آمریکا در منطقه تبدیل به دشمن درجه یک غرب و آمریکا گردید (Barzegar, 2000: 166-167).

هیجانان اولیه انقلابی همچنین نگرانی‌هایی را در نوع روابط جمهوری اسلامی با دولت‌های منطقه پدید آورد. نظام بین‌الملل نیز در حمایت از نظم سنتی موجود و حفظ دوستان منطقه‌ای خود به تقابل با انقلاب اسلامی ایران پرداخت. به عنوان مثال از زمان بروز انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و در رأس آن آمریکا به طرق مختلف سعی کرده‌اند تا با تهدید ایران، از نقش‌آفرینی این کشور در صحنه منطقه‌ای و جهانی جلوگیری کنند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در دهه‌های پایانی قرن بیستم که از آن به عصر پایان (ایدئولوژی) تعبیر می‌شد، بسان موجی خروشان در برابر اندیشه‌ها و نظریات مارکسیستی و لیبرالیسم حاکم شرق و غرب، طلایه‌دار راه جدیدی شد و توانست معادلات موجود در نظام بین‌الملل را دگرگون سازد. شکل‌گیری وضعیت جدید در نظام دوقطبی، موجب شد تا قدرت‌های جهانی که تا به حال در نزاع لیبرالیسم و مارکسیسم در دو جبهه مقابل هم قرار گرفتند با تهدید جدیدی مواجه شوند. از آن جهت که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیشترین دغدغه غرب در جهان اسلام و کشورهای مسلمان، ترس از حرکت‌های ناسیونالیستی و جنبش‌های روشنفکری بود که غالباً تحت تأثیر ایدئولوژی رقیب قرار می‌گرفتند، لذا آن‌ها از تهدیدی همچون حرکت‌های اسلامی

رنج نمی‌بردند (فوازی، ۱۳۸۲: ۸۹) و بالطبع در آن دوره زمانی، باور همگانی بر آن بود که برای سرنگونی یک رژیم بیش از آنکه احساسات یا ایدئولوژی لازم باشد، انقلابیون نیاز به اسلحه دارند اما برخلاف تفکر حاکم بر این دوره اسلام‌گرایان شیعی بدون توسل به مبارزه مسلحانه، تنها با تکیه بر آرمان شیعی در مقابل رژیمی کاملاً مسلح صف‌آرایی کردند و با غلبه ایدئولوژی انقلاب اسلامی علیه سلطه مورد حمایت همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ جهانی معیارهای جدیدی مطرح شد که علاوه بر غلبه بر قدرت‌های مادی همچنین امکان سنجش و مواجهه با معیارهای حاکم بر جهان را با مشکل مواجه نمود. از آنجایی که اسلام سیاسی هویت خود را در تعارض با فرهنگ حاکم بر غرب تعریف کرده است در حال حاضر هراس غرب از اسلام تنها ناشی از ریشه‌های مذهبی آن نبوده بلکه ترس از ریشه‌های سیاسی اسلام، غرب را به وحشت انداخته و هراس و نگرانی اصلی آمریکا از اسلام، ناشی از دیدگاه رابطه دین و سیاست در اسلام است (طاهری، ۱۳۸۷). برخی از آثار انقلاب اسلامی بر ساختار نظام بین‌الملل به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۵. انقلاب ایران: شکست اُبَهِت غرب و شرق

امپریالیسم جهانی که با بهره‌گیری از نفوذ سیاسی، سلطه اقتصادی، قدرت نظامی و رسانه‌های قدرتمند، دولت‌ها و ملت‌های بسیاری را در سیطره خود قرار داده بود با لگدکوب کردن هویتشان حتی به آنها اجازه نمی‌داد برای رهایی‌شان بیندیشند. با انقلاب ایران و شعار (نه شرقی، نه غربی) شکوه و قدرت پوشالی آنان شکسته شد و ملت‌ها و دولت‌ها دریافتند که می‌توان برای رهایی از استعمارگران کوشید و سرانجامی نیکو یافت. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در جلسه شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید: «آبرو و حیثیت ملی ما به خاطر انقلاب اسلامی به خطر افتاده است». برای روشن‌تر شدن دستاورد جهانی انقلاب اسلامی، برخی اظهارات و اعتراضات را از نظر می‌گذرانیم. رادیو نروژ می‌گوید: آیت‌الله خمینی رهبر و شخصیتی بود که طی ده سال بارها آمریکا را تحقیر کرد و آبروی آن کشور را برد. آیت‌الله خمینی نشان داد محرومین می‌توانند در قبال ابرقدرت‌ها پایداری کنند (نصیری، ۱۳۸۷: ۲۶۵-۲۶۴).

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر وقت انگلستان معتقد بود: ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰، از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم، زیرا اگر بلوک شرق و اعضای ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب ویرانگر مسلح هستند ما نیز به سلاح‌های مدرن و

پیشرفته مسلح و مجهزیم، ولی از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب اسلامی ایران می‌ترسیم (همان، ۲۶۶).

۲-۵. نفی منطق دو قطبی حاکم بر جهان

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۷-۵۶ و طرح شعار نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی، این نهضت شیوه و استراتژی خود را در عین معارضة با نظام زورمندانه جهان ادامه داد و در حالی به پیروزی رسید که نه تنها هیچ دولتی از مجموعه دولت‌های جهانی به ویژه بازیگران اصلی نظام دو قطبی از انقلاب حمایت نکردند بلکه رژیم مستبد و تحت سلطه شاه مورد حمایت قدرت‌های بزرگ شرق و غرب مانند شوروی، چین، آمریکا و انگلیس قرار داشت. امام فرمودند: «این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد. از این جهت ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد و با پیمودن صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچ یک از قدرت‌های افسانه‌ای نهراسیده است که همین موجب پیروزی معجزه‌آسایی گردیده است. بعد از فروپاشی نظام دو قطبی و طرح نظام سلسله مراتبی و به عبارت دیگر نظام تک قطبی، انقلاب اسلامی همچنان موضع آشتی‌ناپذیر خود را با نظام‌های ظالمانه که دست‌پخت قدرت‌های بزرگ بود حفظ کرد. انقلاب اسلامی و رهبری آن نه تنها نظریات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام‌های جهانی موجود را که نشأت گرفته از اندیشه‌های ماکیاوول، هابس و هانس مورگنتا بوده و اینکه حق را با زور می‌دانند مردود دانسته بلکه بر این اعتقاد و نظریه حرکت می‌کند که: سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند. مستضعفین به ارث که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده نمی‌رسد، حکومت پابرهنگان حق است (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۹۳-۱۹۲).

۳-۵. آگاهی جهان اسلام

یکی از چالش‌های مهمی که انقلاب اسلامی برای ساختار نظام بین‌الملل ایجاد کرد، تأثیرگذاری بر کشورهای اسلامی و جنبش‌های فعال در این کشورها بود که با پیروی از ایران منافع ایدئولوژی‌های غیر اسلامی را در کشورهای خود به خطر می‌انداختند. بنیانگذار جمهوری اسلامی در نخستین سال پیروزی انقلاب و هنگام تعیین راهبرد سیاست خارجی فرمودند: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در

سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند پشتیبانی می‌کنیم». سلطه و حضور استعمار غرب در سرزمین‌های اسلامی، مسلمانان را قرن‌ها آزرده خاطر و به غرب بدبین کرده بود؛ یکی از این مناطق افغانستان بود که برای شوروی مشکلات زیادی ایجاد و روحیه مقاومت را در مجاهدان مسلمانان افغانستان تقویت کرد. افغانستان کشور مهمی برای بازتاب انقلاب اسلامی در آسیای مرکزی بود. در دهه نخست انقلاب، این کشور در اشغال بود و سربازانی از ممالک آسیایی شوروی، در افغانستان می‌جنگیدند که به نوعی با مجاهدان تماس داشتند (بصیری و شیخ حسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

در آفریقا نیز انقلاب اسلامی مؤثر بود بسیاری از کشورهای آفریقایی با انقلاب اسلامی ایران بعثتی جدید یافتند و انگیزه مبارزه و اتکاء به اسلام در آنها بیشتر شد. این آگاهی در بین شیعیان لبنان، کشمیر هند، عراق و پاکستان مؤثر بود. امام خمینی به عنوان احیاگر اسلام ناب محمدی در قرن بیستم، در سخنرانی‌های خود چنین می‌فرمودند: ما موظفیم اسلام را به دنیا معرفی کنیم و این کار را با صدور انقلاب اسلامی‌مان انجام خواهیم داد. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چراکه این انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم (امام خمینی، ۱۳۶۱/۱۱/۲۶۶).

۴-۵. انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر منافع غرب

انقلاب اسلامی ایران غرب را با پدیده‌ای مذهبی مواجه کرد که اگرچه فی‌نفسه جدید نبود و سابقه تاریخی بیش از ۱۴۰۰ ساله داشت، اما شناخت غرب از مسائل بین‌المللی و برداشت نادرست غربی‌ها از حرکت‌های مذهبی و به خصوص اسلامی، مطلقاً برای آن‌ها قابل توجیه نبود و به همین دلیل آن‌ها را مبهوت و غافلگیر کرد. این پدیده جدید که به نام‌های گوناگون از جمله «بنیادگرایی اسلامی»، «اصول‌گرایی اسلام»، «بیداری اسلامی» و «رستاخیز اسلامی» معروف شد. حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشتن خویش و تأکید بر هویت فراموش شده اسلامی در جهت خلاف منافع و اهداف غرب بود. در این میان، اندیشه صدور انقلاب به عنوان یکی از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله عوامل مهم مخاطره ساز برای منافع آمریکا در منطقه بشمار می‌آمد. از یکسو وقوع انقلاب در «جزیره ثبات» آمریکا در منطقه توازن قوا را بر هم زد و از سوی دیگر، با اعلام چارچوب اصلی سیاست خارجی ایران - یعنی «نه شرقی، نه غربی» - یک قطب جدید قدرت مبتنی بر ایدئولوژی

اسلامی، جدای از ایدئولوژی‌های مسلط جهانی را عنوان نمود. با پیروزی انقلاب اسلامی نقش تاریخی ایران از حدود جغرافیایی‌اش فراتر رفت و افکار انقلاب از این کشور به اقصا نقاط جهان رسوخ کرد، به گونه‌ای که امروز نه تنها کسی در اهمیت جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان شکی ندارد بلکه از یک قطب اسلامی که تهدیدی جدی در مقابل بلوک غرب بشمار می‌آید صحبت می‌شود. به اعتقاد بسیاری جنگ سرد آینده غرب با اسلام‌گرایی انقلابی مشکل‌تر از جنگ سردی خواهد بود که با شوروی (سابق) داشت چراکه این جنگ در مقایسه با جنگ پیشین، دارای مرزهای خاصی نیست (کدیور، ۱۳۷۲: ۹۹).

۶. تقابل نظام بین‌الملل با انقلاب اسلامی ایران

قدرت‌های بزرگ جهان در مقابل هر جنبشی که هدفش کسب استقلال باشد، ایستادگی خواهند کرد. ابرقدرت‌ها ظهور ایدئولوژی‌های جدید را تهدید تلقی می‌کنند. انقلاب ایران با ایدئولوژی اسلامی خود، در واقع زنگ خطر را برای مارکسیسم شرق (بیش از فروپاشی کمونیسم و لیبرال - دموکراسی غرب به صدا درآورد. ظرفیت بالای انقلاب ایران برای گسترش به دیگر نقاط جهان، به ویژه خاورمیانه و نیز وجود شیعیان بسیار در خلیج فارس تهدیدی برای حکومت‌های طرفدار غرب در منطقه و همچنین قدرت‌های بزرگ جهانی است. از این‌رو، شاهد اقدامات قدرت‌های دنیا در مخالفت با انقلاب اسلامی هستیم. خصومت استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل با انقلاب ایران، به جنبه‌های اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و استراتژیک باز می‌گردد. بنابراین پس از شکل‌گیری انقلاب در ایران، دو نگرش متعارض مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند که پیروزی هر یک به معنای شکست دیگری است. به عبارت دیگر تئوری حکومت اسلامی و مردم‌سالاری دینی در ایران چالش اصلی برای تفکرات سکولاریستی و لیبرالیستی برخاسته از اومانیزم در غرب محسوب می‌شود. بطور کلی سرمایه‌گذاری‌های وسیع نظام سلطه جهانی برای ایجاد بحران‌های مختلف در ایران، سازماندهی فشارهای داخلی و خارجی برای فلج کردن اقتصاد این کشور و تلاش در جهت ایجاد نارضایتی عمومی به منظور مقابله با تئوری حکومت اسلامی از طریق القای ناکارآمدی جمهوری اسلامی، در این راستا صورت می‌گیرد که غرب بتواند بزرگترین چالش سیاسی و اقتصادی خود را از سر راه بردارد (بصیری، شیخ حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای از خاورمیانه واقع شده که از لحاظ، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد. لذا با شناخت واقع‌بینانه از ویژگی‌های این منطقه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که منجر به قطع منافع قدرت‌های استکباری گردید دشمنی و دخالت‌ها بر علیه انقلاب ایران آغاز گردید که برخی از آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۶. اقدامات نظام سلطه برای استحاله فرهنگی انقلاب اسلامی

از دیگر اقدامات دشمنان انقلاب و اصولاً مهم‌ترین هدف آن‌ها در استحاله فرهنگی، ضدیت با اسلام و مقابله با دین‌محوری می‌باشد. آن‌ها تمامی تلاش خود را بکار می‌برند تا به هر صورت ممکن دین و ارزش‌های مورد قبول امت اسلامی را منزوی کند. استعمارگران در قضیه تحریم استعمال تنباکو قدرت و نفوذ فتوای چند کلمه‌ای مرحوم، حضرت آیت‌الله‌العظمی میرزای شیرازی (ره) را که از پشتوانه هزار و چند صد ساله دینی برخوردار بود، مشاهده کردند و با وجود آن قدرت، بیشتر به اندیشه مقابله با دین پرداختند. در جریان مشروطیت نیز هنگامی که مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت قیام کردند بار دیگر استعمارگران قدرت لایزال دین را در هدایت توده‌های مردم مشاهده نمودند. سرانجام در بزرگترین معجزه قرن یعنی شکل‌گیری، پیروزی و تثبیت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) ابرقدرت‌ها بار دیگر هراس تاریخی از تجلی دین در عرصه‌های گوناگون را با تمام وجود احساس کردند (معاونت سیاسی ولی‌فقیه، ۱۳۷۸: ۳۳). پاتریک کلاوسون؛ رئیس تحقیقاتی مؤسسه سیاست‌های خاور نزدیک واشنگتن می‌گوید: «جمهوری اسلامی یک خطر عقیدتی به حساب می‌آید که نمی‌توان آن را سبک شمرد». (روزنامه کیهان، ۷۷/۴/۳۰)

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا، سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد، کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی، یک تجارت فرهنگی و یک قتل‌عام فرهنگی است. امروز دشمن این کار را با ما انجام می‌دهد (سخنان مقام معظم رهبری، ۷۷/۴/۲۲).

۲-۶. تجاوز نظامی به قصد براندازی نظام انقلابی ایران

از همان آغاز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، آمریکا به اقدامات بسیار گسترده سیاسی و همچنین تمهیدات نظامی علیه انقلاب اسلامی ایران

مبادرت ورزید. اما هنگامی که از حل بحران گروگان‌گیری از طریق سیا و همچنین از طریق خط و نشان کشیدن نظامی ناامید شد، تصمیم به اجرای طرح نجات گروگان‌ها و در کنار آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران شد (غضنفری، ۱۳۸۱: ۹۳). برنامه دیگر آمریکایی‌ها تجاوز نظامی طبس و کودتای نوژه، دو حلقه یک زنجیره واحد بود که برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ریخته بودند که خوشبختانه علیرغم همه‌ی این مقدمه‌چینی‌های ضدانقلاب و سازمان‌های جاسوسی بیگانه و دولت‌های مرتجع منطقه، توطئه کودتا با الطاف خدای متعال کشف و بسیاری از دست‌اندرکاران آن در روز ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹، چند ساعت پیش از اجرای کودتا شناسایی و دستگیر شدند و براندازی آن‌ها جهت نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش بر آب گردید (غضنفری، ۱۳۸۱: ۹۹-۹۷).

آمریکا در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ توان نظامی موفقیت‌آمیزی علیه ایران را نداشت. در نتیجه اولویت را جهت براندازی جمهوری اسلامی به صدام داد تا از این طریق به ایران حمله کند. دولت عراق در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تهاجمی گسترده علیه دولت ایران اقدام نمود و با این کار حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را نقض کرد (آقای، ۱۳۸۲: ۲۷۱). در واقع در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ که پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود درباره مسؤولیت جنگ برای اولین بار متذکر شد که عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به ایران حمله کرده و این حرکت عراق و تجاوز به خاک ایران موجه نمی‌باشد. هوارد تیچر یکی از افسران ارشد سازمان سیا می‌گوید: ما به عراق آنچه را که لازم داشت در طول جنگ ایران و عراق دادیم تا از ایرانی‌ها شکست نخورند. ما تمام آسیب‌پذیری‌های آن‌ها را در خطوط دفاعی‌شان تشخیص دادیم و از این نقاط ضعیف مطرحشان کردیم. ما می‌دانستیم که اگر این کار را نمی‌کردیم ارتش ایران تا بغداد پیش می‌رفت (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۲۸۰).

۳-۶. تحریم‌های اقتصادی

امروزه از گزینه تحریم به عنوان مکانیسم و ابزاری برای تعقیب اهداف سیاست خارجی کشورها استفاده می‌گردد. اساساً تحریم از سوی کشورهای عملی می‌گردد که در ساختار نظام بین‌الملل دارای ثبات هژمونیک باشند. با توجه به بررسی‌های انجام شده تحریم‌های اقتصادی آمریکا و متحدین غربی‌اش علیه انقلاب اسلامی ایران در طی دهه‌های گذشته سبب بروز تنگنانهایی در خرید و واردات کالا از خارج برای ایران گردیده است. در این راستا، ادبیات سیاسی که از طرف دولت بوش و اوباما و همچنین سیاست‌اعلامی آمریکا از سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد

که آمریکایی‌ها جز تحریم تمایل چندانی برای بهره‌گیری از گزینه‌های نظامی و سایر گزینه‌ها ندارند، اما در عین حال تلاش دارند تا از الگوها و ابزارهایی بهره‌مند شوند که زمینه‌های تغییر در سیاست خارجی و الگوهای رفتاری ایران را به وجود آورند. در این ارتباط دستگاه سیاست خارجی آمریکا را باور بر این است که آیا تهدید و کاربرد تحریم‌های اقتصادی و اقدامات دیپلماتیک علیه ایران می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به سمت تغییر در رفتارهای خود بر اساس خواست‌ها و انتظارات نظام بین‌الملل سوق دهد؟ از سوی دیگر آمریکایی‌ها چگونه می‌توانند سایر بازیگران به‌ویژه قدرت‌های بزرگ را متقاعد کنند که با آمریکا در اجرای سیاست تحریم و تهدید به تحریم مشارکت نمایند؟ (اسفندیار، ۱۳۹۱)

نتیجه‌گیری

جهت اثبات فرضیه اول، ظهور و نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی را باید نقطه‌ای برای خیزش تفکر اسلامی دانست. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های پایانی قرن بیستم، آغاز دوره‌ای جدید از ظهور مجدد اسلام در راستای آموزه‌های دینی توسط امام خمینی (ره) انرژی بسیار عظیمی تولید کرد که به سرنگونی دیکتاتورها در خاورمیانه و هم‌پیمانان اصلی (آمریکا) در منطقه یعنی رژیم پهلوی انجامید. در این میان انقلاب اسلامی ایران در طول ۳۵ سال توانسته به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل شود. چنانکه در تحولات اخیر در خاورمیانه، عامل تداوم حرکت‌های مردمی به شمار می‌رفت، کشورهای حوزه خاورمیانه و خلیج فارس را سرمنشاء تحولات دامنه‌دار از درون و بیرون گردانید هر چند ایران در تنش‌های داخلی این کشورها مداخله‌ی مستقیم نداشت، اما کاملاً واضح است که امواج انقلاب اسلامی تأثیر خود را گذاشته است. کشورهایی که دارای جوامع شیعی بودند بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی دریافت نمودند، ناآرامی‌های شیعیان در کشورهای بحرین، افغانستان، پاکستان، عراق و لبنان و دیگر کشورها، با ظهور انقلاب اسلامی ایران توانستند به ظلمی که دچار شده بودند، آگاه شوند.

فرضیه دوم به انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل می‌پردازد، انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین نوآوری که داشت این بود که ساختار نظام سلطه را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود با تکیه بر ابزار معنوی قدرت بر هم زد و نشان داد که می‌توان با ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده‌ای مردم به قدرت رسید و جامعه را بیدار و مدیریت کرد. انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام (ره) بسان موجی خروشان در برابر اندیشه‌ها و

نظرات مارکسیستی و لیبرالیستی حاکم بر شرق و غرب، طلایه‌دار راه جدیدی شد و توانست با پشتیبانی ملت، معادلات موجود در نظام بین‌الملل را دگرگون سازد و قدرت پوشالی آنان شکسته شده و ملت‌ها و دولت‌ها دریافتند که می‌توان برای رهایی از استعمارگران کوشید و سرانجامی نیکو یافت. انقلاب اسلامی و رهبری آن نه تنها نظریات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام‌های جهانی موجود را که نشأت گرفته از اندیشه‌های ماکیاول، هابس و هانس مورگنتا بوده مردود دانسته، بلکه بر اساس این اعتقاد و نظریه حرکت کرده است که به فرموده امام خمینی (ره) سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند، حکومت پابرهنگان حق است.

انقلاب اسلامی ایران چنان تأثیری در تحولات بین‌المللی ایجاد نمود که کارشناسان مسایل بین‌المللی از آن به عنوان رنسانس در جهان معاصر یاد می‌نمایند، با انقلاب اسلامی فلسفه حکومت در ایران تغییر کرد و این تغییر، تحول در فلسفه حاکمیت در اندیشه‌ها را نیز به دنبال داشت و معادلات سیاسی موجود در دنیا را مورد چالش قرار داد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، مجتبی و زارع، درخشان (۱۳۸۸). **از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم**. تهران: معاونت فرهنگی بسیج. اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲). **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن شانه‌چی، تهران: انتشارات قلم. امرایی، حمزه (۱۳۸۳). **انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی معاصر**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. آقایی، داود (۱۳۸۲). **سازمان‌های بین‌المللی**، تهران: انتشارات نسل نیکان. بشیریه، حسین (۱۳۷۹). **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. پاشاپور، حمید (۱۳۸۲). **نهضت اسلامی، بازیگران جدید نظام بین‌الملل**، تهران: مطالعات اندیشه‌سازان نور. توال، فرانسوا (۱۳۷۹). **ژئوپلتیک شیعه**، ترجمه علیرضا قاسم‌آقا، تهران: نشر آمن. جعفریان، رسول (۱۳۷۱). **جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام**، قم: انصاریان. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). **انقلاب اسلامی ایران**، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. حسینی، حسن (۱۳۸۳). **طرح خاورمیانه بزرگ**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حسینی، کیوان (۱۳۷۷). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بحران افغانستان»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی قفقاز**، سال هفتم - دوره سوم، شماره ۲۲، تابستان.

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات سیاسی نظام بین‌الملل

- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۷). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران: وزارت ارشاد.
- ذوعلم، علی (۱۳۸۸). انقلاب و ارزش‌ها، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رایت، رابین (۱۳۷۲). شیعیان، مبارزان در راه خدا، تهران: قومس.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب، وابسته به مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب.
- غضنفری، کامران (۱۳۸۱). آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان بسیج دانشجویی.
- فوازی، جرجیس (۱۳۸۲). آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه محمدکمال سروربان، تهران: پژوهشکده راهبردی.
- قاسیمان، علی (۱۳۹۱). سازمان‌های بین‌الملل، لرستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲). رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: اطلاعات.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم: انتشارات صدرا.
- معاونت سیاسی (۱۳۷۸). نفوذ و استحاله، تهران: نمایندگی ولی‌فقیه در قرارگاه ثارالله.
- مقام معظم رهبری (۱۳۷۷). سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۲ تیرماه.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپر نظریه‌پردازان، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، امام روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- نصیری، محسن (۱۳۸۷). ایران، دیروز، فردا، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.

ب) منابع انگلیسی

- Barzegar, Kayhan (2000). "Détente in Khatami's Foreign Policy and its Impact on Improvement of Iran- Saudi Relations", **Discourse: An Iranian Quarterly**, Vol. 2, No.2.
- Pollack, Kenneth & Takeyh, Ray (2005). "Taking on Tehran", **Foreign Affairs**, March, April.
- Islamic Propagation Organization (1991). Tehran, Islamic Republic of Iran, Printed by: Shemshed, Tehran, Iran.